

آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، بهار - تابستان ۱۳۹۹
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۱۶۰-۱۲۳)

جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی*

- فرهاد شاهیده^۱
- امیرحسین نیازپور^۲

چکیده

تروریسم یکی از مهم‌ترین چالش‌های عدالت کیفری در عرصه داخلی و بین‌المللی است. با افزایش جرایم تروریستی، برخی دولت‌ها در راستای حمایت از شهروندان و حفظ اقتدار حاکمیت ملی و تأمین نظم و امنیت عمومی، اقدامات نوینی را اتخاذ نموده‌اند. از این رو، تحولات گسترده‌ای در نظام عدالت کیفری کشورهای مختلف شکل گرفته است. توجه به حالت خطرناک مرتکبان و پاسخ‌های سرکوبگر، جرم‌انگاری‌ها را به سمت امنیتی شدن پیش برده است. از آنجا که پیشگیری به معنای خاص آن و جرم‌انگاری‌های سنتی به تنهایی کارآمد نیستند، تکیه بر مفهوم خطر با منطق پیش‌دستانه، حاکی از پارادایم

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (farhad_shahideh@yahoo.com).

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) (a_niazpour@sbu.ac.ir).

جدیدی در پیشگیری از بزهکاری تروریستی در قالب جرم‌انگاری‌های نوین است. جرم‌انگاری پیش‌دستانه بیشتر ناظر بر رفتارهای مرتبط با تروریسم است و خود مرتکب و یا دیگری را در آستانه ارتکاب جرم تروریستی متوقف می‌نماید؛ بدین صورت که قانون‌گذاران به جای آنکه منتظر بمانند تا اشخاصی که در صدد ارتکاب جرم تروریستی هستند، موفق به انجام آن شوند، دامنه حقوق کیفری را گسترش می‌دهند تا مبارزه را به زمین آن‌ها بپرانند. بدین سان، با ایجاد حالت فعال و آماده‌باش در حقوق کیفری، یا قلمرو حقوق کیفری را عقب‌تر از شروع به جرم و یا تبانی می‌برند و یا با جرم‌انگاری جرایم مرتبط با جرم تروریستی یا اقدامات موقتی مداخله‌ای که برای «قبل از بروز تهدید» پیش‌بینی شده‌اند، حقوق کیفری را تا حد ممکن و با هدف پیش‌دستی در مبارزه با تروریسم گسترش می‌دهند.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری، امنیت، تروریسم، پیشا‌جرم.

مقدمه

تروریسم از جمله شیوه‌های مبارزه سیاسی است که به شدت حاکمیت و امنیت کشورها را به چالش کشیده و ضمن گسترش خشونت و تهدید امنیت، بر ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع تأثیرات زیادی گذاشته و موجب گسترش ناامنی در جهان شده است. با جستجو در متون مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که تعریف یکسانی از تروریسم وجود ندارد و بر همین اساس، برخی معتقدند که رویکردهای مختلف در زمینه تروریسم موجب شده است که احتمال رسیدن به تعریفی واحد از تروریسم برابر با صفر باشد (ناجی‌راد، ۱۳۸۷: ۳۳). با این حال، برخی با تمرکز بر شیوه ارتکاب و انگیزه مرتکبان، تروریسم را یک شیوه مبارزه سیاسی می‌دانند که به انگیزه ایجاد وحشت صورت می‌گیرد، نه برای نابودی افراد (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۱). در همین راستا، ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا برخی افراد مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند؟ در پاسخ باید گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل ارتکاب چنین رفتارهایی، انگیزه‌های سیاسی است. مرتکبان رفتارهای تروریستی معمولاً یک مرام سیاسی دارند که با ارتکاب چنین اقداماتی، آن‌ها را در اعلان آن یاری می‌نماید. در این میان، وسیله به کار برده شده را نیز می‌توان به عنوان یک خصیصه نمادین به آن

اضافه نمود. بر این اساس است که در تروریسم نوعی خشونت با انگیزه‌های سیاسی نهفته است که انتشار یا ارسال پیام در آن نقش مهمی دارد (کارگری، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۸). از دیدگاه برخی نیز:

«تروریسم، گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده نظام‌مند یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه مورد نظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند، و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد» (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۷۲).

در این تعریف نیز نویسندگان از یک‌سو، به خشونت‌آمیز بودن تروریسم با شیوه‌های مختلف اشاره نموده و از سوی دیگر، به عدم موضوعیت بزه‌دیدگان تروریسم تأکید کرده‌اند.

به رغم اختلاف در تعریف از تروریسم، قانون‌گذاران کشورهای مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که رویارویی با تروریسم باید با گسترش محدوده حقوق کیفری از طریق جرم‌انگاری‌های جدید صورت بگیرد. جرم‌انگاری را می‌توان فرایندی دانست که بر اساس آن، دولت رفتاری را ممنوع یا انجام آن را ضروری می‌سازد و در قبال نقض آن، به واکنش‌های کیفری و در رأس آن‌ها به مجازات متوسل می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۳۰). به عبارت دیگر، قانون‌گذار با وارد کردن یک رفتار به محدوده حقوق کیفری، اجازه مداخله در آن رفتار را می‌دهد (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲).

جرم‌انگاری پیش‌دستانه^۱ یکی از جلوه‌های افزایش مداخله حقوق کیفری است که استفاده از اصل حداقلی و کمینه حقوق جزا را نقض می‌کند. ماهیت خطرناک و خشونت‌آمیز جرایم تروریستی و حالت خطرناک مجرمان آن، نقش مؤثری در شکل‌گیری جرم‌انگاری پیش‌دستانه داشته است. راهبرد ضد تروریسم جرم‌انگاری پیش‌دستانه که نمونه‌ای از حقوق کیفری پیش‌اجرم^۲ است، گستره وسیع‌تری از رفتارها و افراد را نسبت

1. Pre-emptive Criminalization.

۲. اصطلاح «پیش‌اجرم» (Pre-crime) از داستان کوتاه فیلیپ کی. دیک با نام گزارش اقلیت (Minority Report) در دهه ۱۹۵۰ اقتباس شده است. در داستان تخیلی دیک، پلیس که به اقدامات پیش از جرم تمرکز دارد، می‌تواند قتل‌های عمدی را که در آینده صورت می‌گیرد، پیش‌بینی نماید و مرتکبان احتمالی را قبل از وقوع قتل شناسایی نماید (Zedner, 2000: 210).

به حقوق کیفری پساجرم^۱ شامل می‌شود. جرم‌انگاری پیش‌دستانه با پیشگیری سرکوبگرانه، قلمرو و فضای مداخله سیاست جنایی را توسعه می‌دهد. عدالت پیش‌دستانه نیز با کنترل جرم از رهگذر استفاده از زور، به دنبال پیشگیری از جرایم عمدتاً هولناکی است که ممکن است در آینده ارتکاب یابند (Ashworth & Zedner, 2014: 1).^۲

به عبارت دیگر، جرم‌انگاری پیش‌دستانه در حوزه تروریسم، رویکرد پساجرم حقوق کیفری را به رویکرد پیشاجرم تغییر می‌دهد و به دنبال ادغام مفهوم امنیت در عدالت کیفری است. بدین‌سان، بر خلاف رویکرد پساجرم که فرد پس از ارتکاب جرم، وارد محدوده حقوق کیفری می‌شود، لوسیا زدینر^۳ به «پیش‌بینی خطر و حتی پاسخ‌های مقدم بر رفتار مخاطره‌آمیز و تبدیل پساجرم‌محوری عدالت کیفری به منطق پیشاجرم» اشاره می‌کند (Zedner, 2007: 261). البته در رویکرد پیشاجرم، فرایند جرم‌انگاری در یک قانون‌گذاری شتاب‌زده و هیجانی کامل می‌شود. حادثه ۱۱ سپتامبر^۴ بستری را فراهم نمود که ابتدا ایالات متحده آمریکا و سپس بسیاری از کشورها در یک فضای امنیتی و

1. Post-crime.

۲. البته باید میان پیشگیری از جرم که در ادبیات جرم‌شناسی مصطلح است و اقدامات پیش‌دستانه تمایز قائل شد. در پیشگیری از جرم، اقدامات پیشگیرانه به صورت مستقیم بر پیشگیری از جرم تمرکز می‌نماید، اما در عدالت پیش‌دستانه، هدف اصلی مقابله و رویارویی با خطرهایی است که خشنی کردن آن‌ها یک مرحله قبل از پیشگیری از ارتکاب جرم است. همچنین بر خلاف جرم‌شناسی که به علت‌شناسی و بررسی فرایند بزهکاری می‌پردازد، رویکرد پیش‌دستانه مستقیماً ناظر بر افراد و موقعیت‌های خطرناک و خطرناک است. در نهایت آنکه پیشگیری از جرم، مجموعه‌ای از اقدامات غیر قهرآمیز است که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد، اما اقدامات پیش‌دستانه اساساً قهرآمیز و بر خلاف آزادی‌ها و میل باطنی شهروندان است و در مبارزه با تروریسم، آسیب‌های شدیدی را که در آینده وارد خواهند شد، پیش‌بینی می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۰۸-۳۰۷؛ ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۴۲-۳۸/۱).

3. Lucia Zedner.

۴. با شروع قرن بیست و یکم، حادثه‌ای در جهان رخ داد که رؤیای دروغین آرامش را از ذهن بشر دور کرد. آنچه که به ظاهر در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. ارتکاب یافت، عبارت بود از ربودن چهار خط از هواپیمای خطوط هواپیمایی آمریکا توسط اعضای گروه القاعده و برخورد آن‌ها به مرکز تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون و در نهایت کشته شدن ۳۰۰۰ نفر و زخمی شدن ۶۳۰۰ نفر. این نقطه آغازی بود برای تروریسم در قرن بیست و یکم و لرزه‌ای بر ساختار پذیرفته‌شده حقوق کیفری که بسیاری از پایه‌های آن را تغییر داد (کارگری و مهرا، ۱۳۹۷: ۵۳). بدین‌سان، نظم جهانی تحت تأثیر قرار گرفت و جرم‌انگاری‌های جدیدی در حوزه رفتارهای تروریستی ایجاد شد.

به شدت سیاست‌زده دست به اقداماتی تهاجمی بزنند. از این رو، جرم‌انگاری پیش‌دستانه بدین معناست که قانون‌گذار، رفتاری را که سابقه ارتکاب ندارد و هنوز رخ نداده است، اما احتمال ارتکاب آن در آینده هست، ممنوع می‌سازد. بدین‌سان، منظور از جرم‌انگاری پیش‌دستانه، جرم‌انگاری رفتارهایی است که صبغه کیفری ندارند (عالی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

ماهیت متنوع جرایم تروریستی و شدت پیامدهای آن از یک‌سو و جهانی بودن آن از سوی دیگر، سبب شده است که اسناد بین‌المللی و دولت‌ها، راهبردهای مختلفی را اتخاذ نمایند؛ یعنی پیشگیری از جرم، جرم‌انگاری، اقدامات ماهوی و شکلی مداخله‌ای قبل از وقوع جرم تروریستی (اقدامات پیش‌دستانه)، پاسخ‌گذاری کیفری و پاسخ‌دهی در قالب فرایندهای قضایی و نظامی.^۱ از همین رو، به حق می‌توان از سیاست جنایی افتراقی^۲ یا به تعبیر دیگر، از سیاست جنایی ترکیبی^۳ در حوزه بزهکاری تروریستی سخن به میان آورد؛ سیاست جنایی‌ای که از تمام ظرفیت‌های دولتی و جامعه‌ی ملی و بین‌المللی برای کنترل اجتماعی مصادیق بزهکاری تروریستی استفاده می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۳-۴۷۴). بر این اساس، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که در یک سیاست جنایی افتراقی در حوزه جرایم تروریستی، علاوه بر جرم‌انگاری‌های معمول، جرم‌انگاری پیش‌دستانه چگونه خواهد بود؟ و جلوه‌های جرم‌انگاری پیش‌دستانه در زمینه تروریسم چه هستند؟ همچنین برای ارزیابی جرم‌انگاری پیش‌دستانه باید دید که

۱. راهبردهای پیش‌دستانه مبارزه با تروریسم، با فرایند سنتی دادرسی کیفری که شامل مراحل کشف جرم و جمع‌آوری ادله اثبات آن، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، محکومیت و سپس مجازات است، ارتباط چندانی ندارند. در مقابل، با گفتمان مدیریتی از رهگذر ایجاد اختلال، محدودیت و سلب توان بزهکاری از افراد و گروه‌های در معرض خطر ارتکاب جرایم مرتبط با تروریسم، به مبارزه با این دسته جرایم می‌پردازد.

۲. عدالت اقتضا می‌کند که حقوق کیفری در اصول، رویکرد و پاسخ‌های خود بر اساس تحولات موجود در سده بیستم بازنگری کند و بسیاری از آن‌ها را در پرتو متنوع شدن جرایم، مجازات‌ها، مجرمان و...، بازتعریف نماید. فرایند افتراقی‌سازی سیاست جنایی ضمن متحول کردن اصول و راهبردهای آن، به متکثر شدن گفتمان سیاست کیفری قانون‌گذار - مفهوم مضیق سیاست جنایی - در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و شکلی انجامید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ب: ۵۵ و ۵۹).

3. Combinatory Criminal Policy.

یک رفتار تروریستی از چه لحظه‌ای تحت حکومت قانون جزایی قرار می‌گیرد؟ و تا چه حد رفتارهای مرتبط با جرایم تروریستی را می‌توان ذیل عنوان این رفتار اصلی قرار داد و به اصطلاح تا چه حد می‌توان حقوق کیفری را کِش داد؟

آنچه ضرورت انجام این پژوهش را توجیه می‌کند این است که تاکنون رویکرد نوین جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی در مطالعات علوم جنایی کشور تا حدودی مغفول مانده است و به جز برخی پژوهش‌هایی که بیشتر، سایر حوزه‌های رویکرد پیش‌دستانه را بررسی نموده‌اند، مطالعه جامعی از این نوع جرم‌انگاری صورت نگرفته است.^۱ بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال آن است تا با تبیین ماهیت جرم‌انگاری پیش‌دستانه، جلوه‌های آن را در نظام کیفری ایران با مطالعه تطبیقی حقوق کیفری برخی کشورها مانند انگلستان و فرانسه و رویه قضایی آن‌ها، مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و به لحاظ هدف، کاربردی است. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای می‌باشد و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کیفی از نوع

۱. لازم به ذکر است که در رویکرد پیش‌دستانه به تروریسم تا کنون تحقیقاتی با حوزه‌های مطالعاتی مختلف به چاپ رسیده است که بر حسب مورد با پژوهش حاضر متفاوت‌اند: ۱- «اقدامات پیش‌دستانه پارادایمی جدید در مبارزه با تروریسم» (نعمتی، سیدمرتضی حسینی، و مهدوی‌پور، ۱۳۹۸). در این مقاله نویسندگان تلاش نموده‌اند تا کنترل تروریسم و کاهش امکان ارتکاب اقدامات تروریستی را ذیل عنوان «اقدامات پیش‌دستانه» به عنوان شکل جدیدی از راهبردهای مواجهه با تروریسم بررسی نمایند. تأکید بر مفهوم و ماهیت اقدامات پیش‌دستانه، مانند بازداشت‌های پیش‌دستانه افراد مظنون به جرایم تروریستی و مبانی توجیهی آن، محورهای این مقاله را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که در پژوهش حاضر فقط به جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه و جلوه‌های آن به عنوان رویکرد نوین مقابله با تروریسم پرداخته شده و متون کیفری کشورهایی مانند ایران، فرانسه، انگلستان و برخی اسناد بین‌المللی نیز در این راستا بررسی شده است. ۲- «اعمال دفاع پیش‌دستانه در مبارزه با تروریسم، نفی یا اثبات مشروعیت» (طالقانی و نمایان، ۱۳۹۲). ۳- «ارزیابی دفاع مشروع پیشگیرانه علیه تروریسم» (جلالی و زبیب، ۱۳۹۷). در دو پژوهش اخیر، نویسندگان به دنبال ارزیابی دفاع مشروع پیش‌دستانه و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن در رویارویی با تروریسم هستند. همچنین جایگاه دفاع مشروع پیش‌دستانه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. با توجه به تحولات نظام بین‌المللی و در نهایت اصلاح ساختاری سازمان ملل متحد در خصوص مفاهیم دفاع مشروع تحلیل شده است. در مقام مقایسه باید گفت در حالی که در جستار حاضر، تأکید نویسندگان بر حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناختی رویکرد پیش‌دستانه است، در دو مقاله پیش‌گفته، نویسندگان بیشتر بر جنبه‌های حقوق بین‌الملل این رویکرد تأکید دارند و از این جهت، حوزه‌های مطالعاتی متفاوت می‌باشد؛ هرچند یکی از توجیه‌های سیاست‌گذاران جنایی در جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه، نهاد دفاع مشروع پیش‌دستانه است که در این پژوهش نیز بررسی خواهد شد.

استدلال استنتاجی است. در این جستار، ابتدا مبانی جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی^۱ در قالب دفاع مشروع، حالت خطرناک، امنیت محوری، اصل احتیاط و تغییر شکل پدیده تروریسم بررسی می‌شود. سپس جلوه‌های جرم‌انگاری پیش‌دستانه، یعنی جرم‌انگاری اعمال مقدماتی، نگهداری و مالکیت، عضویت در گروه‌های تروریستی و عدم گزارش با نگاهی به رویه قضایی تبیین خواهد شد.

۱. مبانی جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی

پدیده تروریسم در عصر حاضر نشان‌دهنده تحولات در ساختارهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. تحولات و بحران‌های ناشی از تروریسم، فرصت تفکر و سازگاری با آن را گرفته است. در همین راستا، تروریسم به پدیده‌ای سیال تبدیل شده است که دامنه و جغرافیای آن در آغاز سده بیست و یکم به وسعت جهان گسترش یافته است؛ چنان که می‌توان از جهانی شدن تروریسم سخن گفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵). در همین راستا، با افزایش ناامنی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی، قانون‌گذاران به روش‌های مختلف از جمله جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه تلاش می‌کنند تا ضمن بازگشت امنیت به جامعه، آرامش را هم جایگزین ترس ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی نمایند.

بدین‌سان، برای شناخت بهتر جلوه‌های جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه در حقوق کیفری کشورهای مختلف، ابتدا باید مبانی این نوع جرم‌انگاری تبیین شود.

۱-۱. دفاع مشروع

مفهوم دفاع پیش‌دستانه، یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در حوزه دفاع مشروع مطرح است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. دولت‌ها و جامعه جهانی اقدامات تروریستی را مشابه جنگ دانستند، برای خود در برابر تروریست‌ها حق «دفاع مشروع» قائل شدند و در همین راستا، فرایند پذیرش دفاع مشروع پیش‌دستانه^۲ سرعت

۱. منظور نویسندگان از مبانی، دلایل مشروعیت و اعتبار جرم‌انگاری پیش‌دستانه است. به عبارت دیگر، مبانی در پاسخ به چرایی اعتبار جرم‌انگاری پیش‌دستانه آمده است.

2. Pre-emptive self-defence.

بیشتری پیدا نمود. طبق دکترین دفاع پیش‌دستانه،^۱ پاسخ مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع و یا آنجا که حمله‌ای صورت گرفته است و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است که در آینده انجام پذیرد، مجاز و مشروع است (گنج‌بخش و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵).^۲

در عرصه بین‌الملل، پیشگیری از صدمات ناشی از رفتارهای تروریستی از طریق پیش‌دستی نسبت به تهدیدهای موجود، منطق غالب اقدامات ضد تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر است. در این راستا، سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل نسبت به گذشته با موضوع تروریسم برخوردی کاملاً متفاوت و بسیار شدید داشت. از آنجا که بخشی از سیاست‌های شورای امنیت در برابر جرایم تروریستی، بر سیاست جنایی ملی کشورها اثر می‌گذارد، این شورا در ۱۲ سپتامبر، یعنی کمتر از ۲۴ ساعت پس از واقعه تروریستی مزبور، تشکیل جلسه داد تا به این موضوع رسیدگی کند. قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۱ به وضوح بیان می‌دارد که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر «همانند هر عمل تروریستی بین‌المللی دیگری، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند»

۱. اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه به عنوان یکی از مباحث اصلی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، نظرات متفاوتی را در این عرصه به دنبال داشته‌اند. در خصوص تمایز دفاع پیش‌دستانه (preemptive defence) با دفاع پیشگیرانه (preventive defence) در حقوق بین‌الملل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- آتی بودن تهدید، ویژگی اصلی کنش پیش‌دستانه است. اقدامات پیش‌دستانه بر کنشی آتی و مبتنی بر دلایلی هستند که نشان می‌دهد دشمن آماده فوری برای ضربه زدن است؛^۲ به لحاظ مشروعیت حقوقی، حقوق بین‌الملل پیش‌دستی را بر خلاف کنش‌های پیشگیرانه اجازه می‌دهد. کنش پیش‌دستانه به مفهوم دفاع مشروع، پیش‌بینی شده در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، بسیار نزدیک است؛ اما دفاع پیشگیرانه کنش‌هایی را در بر می‌گیرد که برای جلوگیری از یک تهدید آینده، قابل قبول ولی احتمالی به کار گرفته می‌شوند (دلماز مارتی، ۱۳۹۳: ۱۰۱۱).

۲. دفاع پیش‌دستانه توسل به زور را در چندین حالت مجاز می‌شمارد؛ حالت اول آنکه شواهد متقاعدکننده‌ای مبتنی بر وقوع یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع وجود داشته باشد، دوم آنکه دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعدکننده‌ای مبنی بر حملات آتی دشمن در اختیار داشته باشد. در این حالت نیازی به منتظر ماندن دولت قربانی نیست و آن دولت می‌تواند قبل از وقوع حملات آتی به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل شود؛ اما در صورت فقدان شواهد متقاعدکننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه تحت عنوان دفاع از خود، غیر قانونی و غیر مشروع خواهد بود (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۶).

(عمرانی، ۱۳۸۷: ۹۴۰).^۱ با این حال، بیشتر کشورها و حقوق دانان، دفاع مشروع پیش‌دستانه را بدعتی خطرناک و غیر قابل پذیرش می‌دانند که با حقوق بین‌الملل معاصر سازگاری ندارد؛ زیرا اگر قرار بر توسل به دفاع مشروع به بهانه هر تهدید بالقوه‌ای باشد، صلح و امنیت بین‌المللی به شدت آسیب می‌بیند (طالقانی و نامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

در نهاد دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران نیز با رعایت برخی شرایط توسط مدافع، پیش‌دستی پذیرفته شده است. ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری را در برابر تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع پذیرفته است. منظور از قریب‌الوقوع بودن تجاوز که مرحله قبل از فعلیت یافتن می‌باشد، وجود دلایل عینی و منطقی است مبنی بر اینکه فرد به زودی مورد حمله قرار می‌گیرد و این دلایل باید به گونه‌ای باشد که شخص مدافع، ظن غالب به حمله پیدا کند تا از وقوع حمله جلوگیری به عمل آورد (شمس ناتری و عبدالله‌یار، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

بدین‌سان، عمل شخصی را که قبل از فعلیت یافتن خطر، اقدام به دفع آن نماید، می‌توان پیش‌دستی دانست که البته در صورت اجتماع شرایط مقرر در ماده ۱۵۶ مبنی بر ضرورت و معقول بودن دفاع، عدم نقش قبلی مدافع در وقوع تهاجم و عدم امکان توسل به قوای دولتی، عنوان دفاع مشروع خواهد داشت.

در نهایت باید گفت که اساس و بنیان جرم‌انگاری پیش‌دستانه که ریشه در مبانی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل دارد، وارد حقوق کیفری ملی برخی کشورها

۱. شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۳۶۸ و شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق منشور ملل متحد، به عنوان یکی از کنشگران سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی، ضمن کمک به تلقی نمودن واقعه ۱۱ سپتامبر به عنوان یک تجاوز نظامی، به واکنش پیش‌دستانه ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها به تروریسم مشروعیت بخشید. بر این اساس، اصطلاح دفاع پیش‌دستانه که انتقادات جدی به آن وارد شده است، در سند استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۳ م. ایالات متحده آمریکا، مفهوم سنتی دفاع مشروع را از حمله فوری به تهدید غیر فوری گسترش داد؛ به گونه‌ای که برخی آن را دکترین بوش (Bush doctrine) می‌نامند (شریفی طرازکوهی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲: ۱۱).

مانند فرانسه^۱ و انگلستان شده است؛ به طوری که هرچند قوانین و تدابیر اتخاذشده در کشورهای مذکور به لحاظ جزئیات از یکدیگر متفاوت هستند، اما براینده آن‌ها، مبتنی بر پیش‌دستی و مداخله در اعمال مرتبط به جرم تروریستی است.

۲-۱. حالت خطرناک

خطرناکی یا حالت خطرناک، مفهومی است که در دوره‌های مختلف، تحت تأثیر مکاتب و آموزه‌های علوم جنایی حاکم، دچار نقش‌ها و کارکردهای متفاوتی شد. این مفهوم در اواسط سده نوزدهم، تحت تأثیر مکتب تحقیقی، با اقدام دفاع اجتماعی موجب طرد و خنثی‌سازی بزهکار می‌شد. از اواسط سده بیستم به بعد، اقدام‌های تأمینی و تربیتی، مبنای بازپروری و اصلاح مجرمان در جرم‌شناسی بالینی قرار گرفت (ایارگر، ۱۳۹۶: ۷۹). پس از شکست سیاست اصلاح و درمان بزهکاران، مهم‌ترین تحوّل جرم‌شناختی که منجر به تأکید بر خطرناکی و امنیت‌محور شدن نگاه به مجرم خطرناک شده است، شکل‌گیری جرم‌شناسی تخمینی/آماری/نو با رویکرد مدیریتی و با هدف کاهش و کنترل خطر بزهکاری است (رضوانی، ۱۳۹۶: ۲۹). بدین‌سان، دیدگاه امنیت‌مدار به بزهکاری موجب ایجاد تحول در مسئولیت کیفری شده است؛ به نحوی

۱. برای نمونه، قانون‌گذار فرانسه علاوه بر جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه، مفاهیم جدید دیگری را برای مبارزه با تروریسم وارد متون کیفری این کشور کرده است. به عبارت دیگر، به همان میزان که حقوق کیفری فرانسه در دهه‌های اخیر و در زمینه جرایم غیر امنیتی، تحت تأثیر راهبرد عقب‌نشینی حقوق کیفری قرار داشته است، در زمینه جرایم امنیتی، راهبردهای توسعه‌طلبانه، تهاجمی و پیش‌دستانه را ترجیح داده است (مجیدی، ۱۳۸۶: ۳۸۳). در همین راستا، قانون جدید مربوط به تقویت امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۷ م. به رویکرد پیش‌دستانه در حوزه تروریسم توجه زیادی کرده است: ایجاد محدوده جغرافیایی مشخص توسط برخی مقامات قانونی که در آن به منظور تأمین امنیت یک مکان یا یک مراسم در معرض خطر تروریسم، محدودیت‌هایی برای رفت و آمد تعیین می‌شود (L.226-1) یا بستن اماکن مذهبی به دستور مقامات قانونی که در آن‌ها صحبت، اندیشه‌ها، نظریه‌ها یا اقدامات تحریک‌آمیز نسبت به خشونت، ... اقدامات تروریستی و ... صورت گرفته باشد (L.228.1). برخی قواعد مبنایی در مورد تشدید مجازات نیز دچار تحولاتی شده است؛ برای نمونه، قانون‌گذار در ماده ۱۱ قانون ۳ ژوئن ۲۰۱۶ م. در خصوص تقویت مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم در تکرار جرم تروریستی، کیفر را کافی نمی‌داند و اقدامات نظارتی دوره تأمین را گسترش داده است. این‌گونه سازوکارهای پیش‌دستانه در حقوق کیفری فرانسه، نشانگر توجه سیاست‌گذاران جنایی این کشور به پیش‌دستی و کنترل رفتارهای خطرناک احتمالی است.

که به جای مفهوم تقصیر یا مجرمیت، مفهوم خطرناکی مطرح می‌شود. بر همین اساس است که جرم‌انگاری در برخی کشورها در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ در آمریکا نسبت به اعمال تروریستی، به سمت پیش‌دستی در برابر خطرهای احتمالی گام برداشته است.

در این راستا می‌توان میان سیاست جنایی پیش‌دستانه و سیاست جنایی ریسک‌مدار^۱ از یک سو و اقدامات تأمینی و تربیتی که در برابر حالت خطرناک اعمال می‌شوند، از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرد؛ زیرا مفهوم خطر و اقدامات تأمینی و تربیتی در بیشتر نظام‌های حقوقی امری شناخته شده است و مقابله با صدمات احتمالی و کنترل خطر ارتکاب جرایم تروریستی از طریق تدابیر پیش‌دستانه به امری غیر قابل انکار تبدیل شده است. با این توضیح که نخست، گسترش مفهوم دفاع اجتماعی آدولف پرینس^۲ و استفاده قانون‌گذاران از این مفهوم برای از بین بردن هر گونه خطر قبل از آنکه بروز نماید، زمینه مداخله در موقعیت‌های خطرناک، مانند قانون کیفری مصوب ۱۹۲۶ شوروی سابق را که بر اساس آن صدور حکم به اقدامات دفاع اجتماعی منوط به ارتکاب جرم نبود، فراهم نمود (بابائی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). دوم، ماهیت خطرناک و خشونت‌آمیز اعمال تروریستی و حالت خطرناک مرتکبان آن، نقش مؤثری در ورود مفهوم خطرناکی به فرایند جرم‌انگاری پیش‌دستانه داشته است و از همین روست که عدالت پیش‌دستانه در برخی موارد، جنبه اقدام تأمینی امنیتی یافته و حقوق کیفری نیز خشن شده است و مرتکب رفتارهای هیجانی می‌شود. سوم، سیاست جنایی پیش‌دستانه در حوزه جرایم تروریستی، از آموزه‌های مکتب جرم‌شناختی تحقیقی الهام گرفته است؛ با این تفاوت که هدف آن مکتب از پیش‌بینی حالت خطرناک، اصلاح و درمان از طریق روش‌های غیرقهرآمیز بود، در حالی که سیاست جنایی پیش‌دستانه در مقابل آن قرار دارد. یعنی ابزار سیاست جنایی پیش‌دستانه استفاده از اقدامات قهرآمیز^۳ برای کنترل جرایم تروریستی است (Ashworth & Zedner, 2014: 5). به عبارت دیگر، حالت خطرناک از

1. Risk-Oriented Criminal Policy.
2. Adolf Prins.
3. Coercive measures.

دیدگاه مکتب تحقیقی، حکایت از نوعی بیماری و تفاوت فرد با دیگران می‌کند (مثل مجرم مجنون یا بزهکار به عادت)، اما در رویکرد پیش‌دستانه، مرتکب اعمال تروریستی آگاهانه برای جامعه خطر می‌آفریند. از همین رو، سیاست جنایی پیش‌دستانه بیانگر جرم‌انگاری‌ها و اقدامات کیفری و اداری مختلفی است که با رویکرد خطرمدار، ویژگی سرکوبگری پاسخ‌های کیفری را به عنوان یک عامل پیش‌دستانه حفظ می‌کند. در نهایت، رویکرد خطرمدار با پیش‌بینی و محاسبه میزان خطرناکی مجرمان تروریستی از طریق سنجیدن عواملی در ارتباط با مجرم تروریستی با معیارهای ثابت و جمعی و نه فردی، آن‌ها را در گروه‌های از پیش تعیین‌شده‌ای قرار می‌دهد و به دنبال توان‌گیری^۱ آن‌هاست (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

۳-۱. امنیت محوری

امنیت به معنای فقدان عوامل تهدیدکننده فرد به لحاظ جسمانی و روانی و همچنین نبود عوامل از بین‌برنده نظم است. احساس ایمنی نیز زمانی حاصل می‌شود که شهروندان احساس کنند تهدید نمی‌شوند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۹). در این راستا، از یک سو تروریسم یکی از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر است که امنیت عمومی را به مخاطره انداخته است و از سوی دیگر، حق بر امنیت (امنیت جسمانی - مالی) امروزه یکی از حق‌های بنیادین مردم محسوب می‌شود. بر این اساس، دولت‌ها به نام و برای تأمین امنیت اشخاص و اموال در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، از قوای قهرآمیز و غیرقهرآمیز استفاده می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱).

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، سیاست‌گذاران جنایی به دنبال تأمین امنیت ملی از طریق حقوق کیفری داخلی هستند. امنیت ملی مفهومی است که قلمرو سرزمینی را به خطرهای خارجی نیز گسترش می‌دهد. با ورود این مفهوم به حقوق کیفری ملی، مرز میان امنیت داخلی/خارجی و اجرای قانون^۲/اقدام نظامی^۳ در حال محو شدن است. برای نمونه در راستای سیاست‌گذاری امنیت‌محور آمریکا در سال

1. Incapacitation.
2. Law enforcement.
3. Military security.

۲۰۰۲، جرج بوش بیان داشت که «امروزه تمایز میان امور داخلی و خارجی کمرنگ شده است» (White, 2005: 68).

ورود مفهوم سیاسی امنیت ملی به عدالت کیفری منصفانه، دستگاه عدالت کیفری را دچار چالش می‌کند. سیاست‌زدگی عدالت کیفری موجب بسته شدن چشمان فرشته عدالت می‌شود و حقوق به نازل‌ترین سطح ممکن می‌رسد و جنبه نمادین پیدا می‌کند. هنگامی که امنیت ملی، کانون توجه سیاست‌گذاران جنایی در برابر جرایم تروریستی باشد، مداخله نهادهای سیاسی و اجرایی در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم می‌تواند منجر به بهره‌برداری سیاسی از مبارزه با تروریسم، عوام‌گرایی و در نهایت، تشدید ترس از جرم در جامعه شود.

درهم‌آمیختگی روزافزون امنیت ملی و عدالت کیفری نیاز به گسترش حقوق کیفری را جدی‌تر می‌نماید. در این راستا باید بر اساس جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه و با هدف شناسایی خطر و مداخله قبل از ارتکاب جرم تروریستی به وضعیت پیش از جرم توجه شود. ورود مفهوم امنیت ملی در حقوق کیفری موجب رویارویی دو اصل اساسی آزادی و امنیت می‌شود. در این راستا باید بر اساس شرایط موجود که حاکی از احتمال وقوع جرایم تروریستی در هر زمان و مکان است، یکی از دو اصل را بر دیگری مقدم نمود. بر همین اساس برخی معتقدند:

«آنچه راهکار اصلی پیکار با پدیده تروریسم دانسته شده است، پشتیبانی امنیت ملی با در تنگنا گذاشتن آزادی‌ها بوده است. به راستی که بزه‌های تروریستی، به طور پنهانی و ناشناخته رخ می‌دهند و از این رو، چاره‌ای جز سختگیری و کنترل همه‌جانبه شهروندان نیست. پس در رویارویی امنیت و آزادی، این امنیت است که برتری یافته است...» (عالی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰).

بدین‌سان تروریسم، قانون‌گذاران را به سمت چنین جرم‌انگاری‌هایی پیش برده است؛ زیرا هرچند ممکن است جرایم تروریستی و بزه‌دیدگان ناشی از آن، کمتر از سایر جرایم ارتكابی در جوامع مختلف باشند، اما شدت و آثار گسترده جرایم تروریستی موجب شده است تا امنیت، مفهوم پُررنگ‌تری از آزادی به خود گرفته و افراد نیز برای داشتن امنیت، از برخی آزادی‌ها به نفع امنیت چشم‌پوشی نمایند.

۴-۱. اصل احتیاط

تروریسم به عنوان یک خطر جدی برای سلامتی و محیط زیست می‌تواند از یک سو، موجب کشته شدن انسان‌های زیادی شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد ترس استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و گسترش آلودگی محیط زیست شود (نعمتی، ۱۳۹۸: ۵۰۵). امروزه تحت تأثیر تغییر دیدگاه‌های نظری و اقتضائات عملی و رخدادهای گسترده، مفهوم جرم به شکلی روزافزون در حال تغییر است. ظهور ریسک‌های اجتماعی، فنی، فناورانه و زیستی به تدریج در ادبیات جامعه‌شناسی، طرح نظریه جامعه مخاطره‌آمیز^۱ را در پی داشت. این نظریه و مفاهیم مرتبط با آن مانند اصل احتیاط، هرچند که در آغاز پیدایش خود بیشتر به منشور زیست‌محیطی شبیه بود، اما به تدریج مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم جنایی نیز قرار گرفت. ورود به عرصه سیاست جنایی و الگوهای پاسخ‌دهی و واکنش‌های اجرایی - قضایی، خود مستلزم بازتعریف مفهوم جرم در جامعه مخاطره‌آمیز است و این تعریف، خود باعث تحت تأثیر قرار گرفتن جهت‌دهی‌های حقوقی شد و رویکرد پیش‌دستانه به خصوص در حوزه جرایم تروریستی ظهور یافت. به موجب این جهت‌دهی‌ها، جرم در معنای اهمیت یافتن امنیت بر آزادی، کنترل‌گرایی مضاعف کیفری، شدت نسبی یافتن پاسخ کیفری، تغییر در مصادیق جرم‌انگاری شده و تداوم نظارت بر رفتارهای مخاطره‌آمیز در قالب کنترل کیفری تعبیر می‌شود (صیقل، ۱۳۹۷: ۲).

بر همین اساس، عدالت پیش‌دستانه بر مداخله‌های حقوق کیفری در پیشگیری از جرم و ماهیت سرکوبگرانه اقدامات پیشگیرانه تأکید دارد و به جای علت‌شناسی و ارزیابی ریشه‌های تروریسم، به از بین بردن تروریست‌های احتمالی تمرکز می‌کند. از این رو، ابتدا دولت ایالات متحده آمریکا و سپس برخی کشورها مانند انگلستان،

1. Risk Society.

۲. نظریه جامعه مخاطره‌آمیز، یکی از بانفوذترین نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر است که منشأ بسیاری از مدل‌ها و تحلیل‌های علمی از رخدادهای محیطی و بوم‌شناختی گرفته تا وقایع و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سه دهه گذشته تا کنون را فراهم کرده است (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴).

راهبردی را تنظیم نمودند که بر اساس آن، اقداماتی علیه تروریست‌های بالقوه با ظرفیت‌های جنایی مختلف می‌بایست صورت می‌پذیرفت. در همین راستا، جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بیان داشت:

«... اگر ما منتظر بمانیم تا تهدید به صورت کامل محقق شود، خیلی تأخیر کردیم، ... ما باید مبارزه را به سمت دشمن پیش ببریم، برنامه‌ریزی او را مختل کنیم و قبل از اینکه تهدیدها به فعل تبدیل شوند، با آنها مقابله کنیم» (Bush, 2002).

این راهبرد که بیانگر وجود تهدید و خطرهای بالقوه در جامعه است، منجر به پیدایش و شکل‌گیری اصل احتیاط در حوزه جرایم تروریستی شد. این اصل مستلزم این است که از چشم‌انداز نامطلوب آینده به هر طریقی پیشگیری شود. یک رویکرد احتیاطی، اقدام‌هایی را از سوی قانون‌گذاران گسترش می‌دهد تا از ایجاد صدمات بالقوه^۱ پیشگیری کند. به عبارتی، راهبردهایی را به منظور محافظت در برابر آسیب‌های بالقوه ترویج می‌دهد؛ حتی اگر زنجیره‌های علت نامشخص باشند و به اینکه آیا واقعاً آسیب به بار خواهد آمد یا نه نیز اطمینانی وجود نداشته باشد. هدف سیاست پیش‌دستانه، کاهش خطر ارتکاب جرایم تروریستی از طریق به کار بردن ظرفیت‌های عدالت کیفری و پاسخ‌های قهرآمیز در برابر خطراتی است که هنوز آشکار نشده‌اند. اصل احتیاط به دنبال باز کردن دست قانون‌گذاران در مقابله با تروریسم است؛ یعنی به دنبال توجیه کافی بودن یک خطر بالقوه است. از این رو، بسیاری از جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه با این اصل توجیه می‌شوند؛ زیرا عدالت پیش‌دستانه به دنبال پیش‌بینی خطرهای احتمالی و سرکوب پیشگیرانه رفتارهای احتمالی و مرتبط با جرم تروریستی اصلی است (Tulich, 2012: 57-58).

بسیاری از اقدامات پیش‌دستانه، با منطق اصل احتیاط همگرا هستند؛ زیرا با پیش‌بینی محتمل، اقدام به مداخله می‌کنند. احتمال‌گرایی، بیشتر بر اساس مستندات ناقص شکل می‌گیرد. حبس کردن مظنونان (برای سال‌های طولانی و بدون مدارک و مستندات قوی)، توقیف اقلیت‌های نژادی به عنوان مثال آمریکایی‌ها - ژاپنی‌ها در طول

1. Potential harms.

جنگ جهانی دوم و تخریب خانه‌های بستگان تروریست‌ها، نمونه‌هایی از احتمال‌گرایی اصل احتیاط است (Stern & Wiener, 2006: 397-398). در همین راستا، کمیسیون ملی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۴ بیان داشت که یک برنامه راهبردی آینده‌نگر با تأثیر از اصل احتیاط، خطرها، هزینه و فایده را تحلیل می‌نماید (National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States, 2004).

آنچه از اصل احتیاط در خصوص جرایم تروریستی برداشت می‌شود آن است که:

- ۱- عدم قطعیت حمله تروریستی، توجیهی برای انفعال در برابر خطرهای شدید محسوب نمی‌شود.
- ۲- عدم وجود دلیل کافی برای خطر، دلیل بر فقدان خطر نیست.
- ۳- بار اثبات عدم وجود خطر و عدم امکان آسیب‌رسانی آن، به عهده منشأ خطر است.
- ۴- نیاز به پیش‌بینی و تعیین رفتارهای آینده (احتمالی) تروریست‌ها، قانون‌گذاران را به سوی اصل احتیاط پیش می‌برد.
- ۵- خنثی‌سازی آسیب‌های احتمالی و کنترل خطر قبل از ارتکاب جرم ضروری است.

با توجه به آنچه در خصوص اصل احتیاط و آثار آن بر عدالت کیفری بیان شد، می‌توان گفت هنگامی که امنیت‌گرایی سرلوحه قانون‌گذاری یک کشور قرار بگیرد، آنگاه بر اساس اصل احتیاط که احتمال وجود خطر را گوشزد می‌کند، بی‌اعتمادی به تمام اعضای جامعه گسترش می‌یابد و در نتیجه، حریم خصوصی آن‌ها در معرض نقض قرار می‌گیرد.

۵-۱. تغییر شکل تروریسم

در دو دهه اخیر، تحولات و بحران‌های ناشی از تروریسم موجب ایجاد پارادایم جدیدی شده است. از آنجا که ماهیت رفتار مجرمانه در فرایند پاسخ‌دهی تأثیرگذار است، سیاست‌گذاران جنایی ابتدا باید تغییرات پدیده تروریسم را بررسی نمایند. تحولات تروریسم را باید در عواملی چون افزایش نوع سلاح‌ها و مواد منفجره، سهولت دسترسی به آن‌ها، تسهیل رفت‌وآمد به نقاط مختلف جهان و گسترش وسایل ارتباط جمعی که تروریست‌ها را در رسیدن به اهداف تبلیغاتی خود یاری می‌کنند، جستجو نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۹۵). تروریسم مانند خطر وقوع یک بلای طبیعی،

قریب الوقوع و احتمالی است و به پدیده‌ای عادی تبدیل شده است. امروزه مرتکبان جرایم تروریستی کمتر دارای انگیزه‌های سیاسی هستند و انگیزه اصلی آنان، ایجاد ترس است. ظهور گروه تروریستی داعش، بارزترین نمونه تحولات در پدیده تروریسم است که پیش‌بینی ناپذیری جرایم تروریستی را تشدید کرده و سبب ایجاد رعب و وحشت در سراسر جهان شده است؛ به حدی که نمی‌توان برای آن مرز جغرافیایی مشخصی تعریف کرد. غیر قابل پیش‌بینی تر شدن تروریسم، موجب از بین رفتن مرز بین وضعیت جنگی و صلح در جوامع شده است. همچنین تغییر شکل پدیده تروریسم موجب کم‌رنگ شدن سزاگرایی در حقوق کیفری شده است؛ به نحوی که بسیاری از تروریست‌ها به دلیل ایدئولوژی خاص خود به دنبال مرگ هستند و تعداد زیادی از افراطی‌گرایان تروریست نیز در زندان وجود دارند که زندان تأثیر کمی بر آن‌ها گذاشته است و به دنبال آن هستند که پس از آزادی، با همان اعتقادات سابق بر ورود به چرخه عدالت کیفری، مرتکب رفتارهای تروریستی شوند (Van der Heide & Geenen, 2015: 169).

تحولات تروریسم و تغییر شکل اعمال تروریستی، موجب تغییر رفتار سیاست‌گذاران جنایی و شکل‌گیری تدریجی اجماع در نحوه مبارزه با آن شده است؛ امری که موجب تحقق راهبرد انقطاعی در مدل سیاست جنایی کشورهای لیبرال شده و تا اندازه‌ای این مدل را به مدل اقتدارگرایی سیاست جنایی در حوزه تروریسم نزدیک نموده است. در بسیاری از کشورها، بعضی اقلیت‌ها، ملیت‌ها و شهروندان ملی خارجی‌تبار به عنوان افراد ریسک‌دار و گروه‌های خطرناک بالقوه، فارغ از هر گونه عمل مجرمانه، تحت پایش محسوس و نامحسوس عوامل پلیسی - امنیتی قرار دارند. رویکرد سیاست جنایی به این دسته افراد و مرتکبان جرایم تروریستی، دیگر انسان‌مدار نیست و نوعی انسانیت‌زدایی از حقوق کیفری در سیاست جنایی اتفاق افتاده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۶۳). در همین راستا، ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از کشورهای مهاجرپذیر با تصویب قوانین سختگیرانه مانند قانون میهن‌پرستی اصلاحی ۲۰۰۶ م.، صرف بیگانگی را از عوامل امکان تجویز اقدامات تأمینی مانند شنود، اخراج از کشور و همچنین بازداشت‌های نامعین می‌داند که خلاف اصول اساسی حقوق کیفری از جمله اصل برائت است. طبق ماده ۴۱۲ قانون فوق، یک مظنون تروریستی بیگانه به

بازداشت نامعینی محکوم می‌شود که فقط شامل مظنونان تروریستی نیست، بلکه شامل همه بیگانگانی است که با عملیات تروریستی در ارتباط هستند (رضوانی، ۱۳۹۶: ۳۹).

بدین‌سان، تغییر شکل پدیده تروریسم، به سه جهت موجب ورود جرایم پیش‌دستانه در حقوق کیفری ضد تروریسم شده است: ۱- هدف اصلی تروریسم در قرن بیست و یکم، هراس‌افکنی در میان مردم است و انتخاب روش‌های مختلف در زمان و مکان مختلف و استفاده از هر وسیله‌ای حتی حیوانات، بر تشدید ترس از وقوع جرم تروریستی می‌افزاید. ۲- تغییر شکل تروریسم و فراگیر شدن آن، افزون بر آثار وسیع و شدیدی که به دنبال دارد، در کنار سایر عوامل مانند فشار افکار عمومی، موجب مطالبه‌گری امنیت بیشتر شده است. ۳- شیوه‌های جدید ارتکاب جرایم تروریستی، سازمان‌یافتگی و گسترش خطرهای آن برای امنیت اجتماع انسانی موجب شده است که واکنش‌های سنتی موجود در حقوق کیفری، ناکارآمد و یا ناقص جلوه نماید (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۴۸). از همین رو نباید سیاست‌گذاران جنایی را برای اتخاذ چنین سیاستی سرزنش کرد؛ زیرا سیاست جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی، پاسخ به یک نیاز است. بر این اساس، هر اندازه که یک جرم فاجعه‌آمیزتر باشد، پیش‌دستی در مبارزه با آن ضروری‌تر است و به همان اندازه، پاسخ‌دهی به آن پس از وقوع بسیار دیر است.

۲. جلوه‌های جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی

صدمات و آسیب‌هایی که از رهگذر رفتارهای تروریستی به اعضای جامعه وارد می‌شود، در برخی موارد به اندازه‌ای سنگین و غیر قابل تحمل است که دیگر نمی‌توان با این تصور که ترس از مجازات، مانع از ورود چنین لطماتی به جامعه می‌شود، به مقابله با آن پرداخت؛ بلکه مقابله با خطر اعمال تروریستی، مستلزم اتخاذ تدابیری است که نه تنها ارتکاب جرایم قریب‌الوقوع توسط مجرمان احتمالی را غیر ممکن سازد، بلکه در صورت احتمال جدی ارتکاب جرم یا شروع به انجام آن، از ارتکاب یا ادامه رفتار مجرمانه پیشگیری به عمل آورد (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۲۹۸). همچنین اهتمام قانون‌گذاران به حفظ و تأمین ثبات سیاسی و تلاش در جهت استحکام بخشیدن به پایه‌های نظام سبب

شده است تا از یک سو، دامنه جرم‌انگاری در جرایم تروریستی تا مرحله اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی پیش رود و از سوی دیگر، عناوین مجرمانه پیشین نیز دچار تغییرات جدید شود (مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۳).

در جرم‌انگاری پیش‌دستانه، قانون‌گذاران با دشمن تلقی کردن بزهکاران به دنبال مداخله حداکثری کیفری در گستره وسیعی از رفتارهای افراد جامعه هستند.^۱ البته در

۱. لازم به ذکر است که جرایم پیش‌دستانه، با برخی جرایم در حقوق کیفری و بعضی نهادهای فقهی مشابهت‌هایی دارد:

الف) از دیدگاه حقوق کیفری پساجرم، برخی رفتارها که قابلیت ارتباط با جرایم تروریستی دارند، ممکن است جنبه مجرمانه نداشته باشند. اما با ورود سیاست‌های پیش‌دستانه به عدالت کیفری، برخی رفتارهای دور از جرم اصلی تروریستی نیز جرم‌انگاری شده‌اند. این دسته جرایم در حقوق کیفری «جرایم مانع» نامیده می‌شوند. هدف جرم‌انگاری جرایم مانع، تأمین امنیت و حفاظت از افراد جامعه است (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۷). در جرایم مانع، مرز میان سرکوب و پیشگیری کم‌رنگ می‌شود؛ بدین صورت که ویژگی سرکوبگر پاسخ‌های کیفری، از یک طرف به عنوان یک عامل پیشگیرانه عمل می‌کند و از طرف دیگر با جرم‌انگاری برخی رفتارهای خطرناک، جرم اصلی ارتکاب پیدا نمی‌کند و دفاع اجتماعی نیز تأمین می‌شود. جرم مانع دستاورد تعدیل نظریه حالت خطرناک (رد نظریه بزهکار مادرزاد) مکتب تحقیقی است. تأسیس جرم مانع اجازه داد تا ضرورت رکن مادی در حقوق کیفری با نظریه «حالت خطرناک پیش از جرم» سازش داده شود؛ قانون‌گذار، اعمال یا رفتارهایی را که فی‌نفسه جرم‌انگاری آن‌ها در حقوق کیفری قابل توجیه نیست، اما خطر ارتکاب جرم را در خود می‌پروراند، جرم‌انگاری می‌کند تا از این طریق مانع ارتکاب جرایم شدید یا خطرناک تروریستی شود و از آن‌ها پیشگیری نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵ الف: ۹۲۴). پیشگیری از آسیب‌های شدیدتر تروریستی و مداخله قبل از ارتکاب این جرایم، یکی از مفاهیم نوین در رویکردهای کنترل تروریسم محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، رویکرد پیش‌دستانه با تحول در مفهوم جرم مانع، مجرمان احتمالی جرایم تروریستی را مدیریت می‌کند. از لحاظ ماهوی نیز این جرایم به مراحل بسیار مقدماتی و زودهنگام اقدام مجرمانه که حتی ممکن است مورد نظر فاعل آن نباشد، اطلاق می‌شود. همچنین این جرایم دارای عنصر مادی اعمالی است که از نظر نتیجه واقعی، پایین‌تر از شروع به جرم هستند (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۶). پس از مقایسه جرم‌انگاری پیش‌دستانه با جرم مانع نیز می‌توان گفت که پیشگیری از ارتکاب جرم، هدف مشترک جرم‌انگاری پیش‌دستانه و جرم‌انگاری جرایم مانع است، اما تفاوت جرم‌انگاری پیش‌دستانه با جرایم مانع آن است که در جرایم مانع، رفتارهایی که مقدمه جرم بوده، ارتکاب جرم را تسهیل می‌کنند و یک رفتار انحرافی و نابهنجار هستند، جرم‌انگاری شده‌اند، در حالی که در جرم‌انگاری پیش‌دستانه، رفتار ارتکابی ممکن است وسیله تسهیل جرم نباشد. پس هرچند با اغماض می‌توان جرم پیش‌دستانه را جرم مانع نیز محسوب کرد، اما باید آن را اعم از جرم مانع دانست؛ زیرا رویکرد پیش‌دستانه، تغییراتی در جرم مانع ایجاد کرده است و به عبارت دیگر، قانون‌گذاران جرایم مانع را گسترده‌تر کرده‌اند.

ادامه پانوش —

این میان باید اصول مدّ نظر قانون‌گذار نیز برای تبیین مبنای جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی مشخص شود. اعمال تروریستی از جمله جرایمی هستند که متضمن ایراد آسیب و صدمات غیر قابل جبران نسبت به جامعه و شهروندان می‌باشند. بر این اساس، از یک طرف جان استوارت میل^۱ ضمن اشاره به «اصل ضرر»^۲ معتقد است: «تنها هدفی که می‌توان به طور موجه، بر خلاف اراده فرد، به اعمال زور علیه عضو یک جامعه متوسل شد، پیشگیری از ضرر رسیدن به دیگران است» (Mill, 2003:80).

یعنی دولت زمانی می‌تواند بر خلاف اراده فرد، در زندگی او از طریق اعمال زور دخالت کند که با این دخالت، ضرر یا خطری را که متوجه دیگران است، از بین ببرد یا

→ (ب) جرایم پیش‌دستانه با موضوع حرمت تبعی در قواعد فقهی «سدّ ذرایع» و «مقدمه حرام» نیز دارای برخی وجوه تشابه هستند. در فقه این سؤال وجود دارد که اگر عملی به خودی خود مباح باشد، اما در راستای ارتکاب یک عمل حرام صورت بگیرد، آیا به تبع آن واجد وصف حرمت می‌شود و کیفر دارد؟ در این خصوص، قاعده «سدّ ذرایع» مطرح است که به معنای ترک کردن و جلوگیری کردن از هر وسیله‌ای است که موجب رسیدن به حرام می‌شود. فقهای عامه معتقدند از آنجا که جلب مصالح و دفع مفاسد لازم است، برخی افعال مستقیماً حرام شده‌اند و برخی افعال مستقیماً حرام نیستند، اما از آنجا که منجر به حرام می‌شوند، شارع آن‌ها را تحریم کرده است (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۵۷). بر این اساس، در رویکرد پیش‌دستانه نیز اعمالی وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شوند که به تنهایی مجرمانه نیستند، اما چون منجر به رفتار تروریستی می‌شوند، جرم‌انگاری شده‌اند. همین موضوع در فقه شیعه در خصوص «مقدمه حرام» مطرح می‌شود. در این خصوص، این سؤال پیش می‌آید که آیا حرمت یک عمل، به مقدمات آن عمل نیز سرایت می‌نماید و آن‌ها نیز ممنوع و حرام می‌شوند؟ این موضوع در میان فقهای امامیه مورد اختلاف است. دلیل برخی فقها مانند ملا احمد نراقی را که معتقد به حرام بودن مقدمه حرام هستند، می‌توان در حرمت عصیانگری در انجام مقدمه حرام و پیروی از هوای نفس جستجو کرد. برخی نیز مانند آخوند خراسانی معتقدند که مقدمه حرام، حرام نیست؛ یعنی شخصی که مقدمات ارتکاب عمل حرام را تهیه می‌کند، در نهایت ممکن است یا مرتکب حرام بشود و یا آن را ترک نماید، پس وجود و عدمشان تأثیری در حصول حرام ندارد (طیبی و اطهری، ۱۳۹۵: ۱۸۳-۱۸۴). با دیدگاه پیش‌دستانه به این نظریه می‌توان گفت که مرتکبان تروریستی نیز پس از انجام مقدمات جرم، ممکن است مرتکب جرم نشوند، اما ماهیت خطرناک جرایم تروریستی و خطر بالقوه مرتکبان آن، سیاست‌گذاران جنایی را به سوی پیش‌دستی در ارتکاب این دسته جرایم و جرم‌انگاری رفتارهایی برده است که جنبه مقدماتی دارند و حتی ممکن است در نهایت منجر به ارتکاب جرم تروریستی نشوند. از این رو، جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی به آن دسته از فقهایی که معتقدند مقدمه حرام، حرام است، نزدیک‌تر است.

1. Stuart Mill.

2. Harm Principle.

کاهش دهد. از طرف دیگر، اگر سیاست‌گذاران جنایی منتظر ارتکاب جرم اصلی باشند و یا پس از اینکه شهروندان در معرض خطر جدی قرار بگیرند، مداخله قانونی را شروع نمایند، با آسیب‌های غیر قابل جبران ناشی از تروریسم مواجه خواهند شد. بدین سان، «اصل ضرر» به عنوان توجیه‌کننده اصلی مداخله دولت در محدود کردن آزادی افراد از طریق مداخله حقوق کیفری، اصل اساسی جرم‌انگاری پیش‌دستانه است (مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۲). در هر حال، هدف از این نوع جرم‌انگاری، کاهش خطر ارتکاب جرایم تروریستی از طریق به کار بردن ظرفیت‌های عدالت کیفری و پاسخ‌های قهرآمیز در برابر خطراتی است که هنوز آشکار نشده‌اند (McCulloch & Tham, 2005: 410). جرم‌انگاری اعمال مقدماتی، نگهداری و مالکیت، عضویت در گروه‌های تروریستی و عدم گزارش اعمال تروریستی یا رفتارهای مرتبط با آن، از این قبیل است.

۱-۲. جرم‌انگاری اعمال مقدماتی تروریستی

عدالت پیش‌دستانه تا قبل از بروز خطر یا تهدید کاربرد دارد. هرچند برخی از اقدامات قهرآمیز که در قالب سیاست‌های پیش‌دستانه صورت می‌گیرند، به شخص مظنون، بدون نیاز به دلیل، اتهام معین و محکومیت مربوط است. بعضی از این اقدامات به شکل جرم‌انگاری «اعمال مقدماتی»^۱ هستند که قلمرو حقوق کیفری را با هدف مداخله اولیه برای کاهش فرصت ارتکاب جرم گسترش می‌دهند (Zedner, 2007: 265). در هر حال، مبنای اصرار قانون‌گذاران برای مجازات اعمال مقدماتی را می‌توان در مشکلات اثباتی در مورد عدم امکان اثبات قصد و نیت صرف مجرمانه و عدم مداخله در آزادی و حریم شخصی اشخاص جستجو کرد (کلارکسون، ۱۳۹۵: ۳۳). در خصوص ماهیت این دسته جرایم، خلاصه دیدگاه دادگاه دادگاه تجدیدنظر کشور استرالیا قابل توجه است: «اعمال مقدماتی اغلب منجر به ارتکاب جرم اصلی نمی‌شوند. سیاست جنایی قضایی این اقتضا را دارد که لازمه پیشگیری از تروریسم، افزایش گستره مسئولیت کیفری به مراحل اولیه ارتکاب جرم حتی قبل از تبانی و توافق برای ارتکاب جرم باشد»^۲.

1. Preparatory Offences.

2. Lodhi v. Regina (2006) NSWCCA 121, Spigelman CJ.

در همین راستا، قانون‌گذاران انگلستان برخی اعمال مقدماتی را در قالب قانون تروریسم ۲۰۰۶^۱ وارد زرادخانه کیفری این کشور نموده‌اند. انتشار بیانیه (s1) و توزیع نشریه تروریستی (s2) که بر اساس قانون مبارزه با تروریسم و افزایش امنیت ۲۰۱۹^۲ یک شخص معقول آن را به عنوان تشویق، تحریک و تروریسم بدانند، تدارک اعمال تروریستی همراه با قصد ارتکاب اعمال تروریستی یا مساعدت به دیگری برای ارتکاب چنین اعمالی، به منظور اثربخشی به این مقاصد (s5) از این قبیل هستند. اعمال مقدماتی فوق بر این اساس که می‌توانند منجر به یک حمله تروریستی شوند، جرم‌انگاری شده‌اند. در رویه قضایی انگلستان نیز دادگاه‌ها در پرونده‌هایی که اشخاص، مرتکب اعمال مقدماتی جرم تروریستی می‌شوند و حتی ممکن است در نهایت، جرم اصلی نیز ارتکاب نیابد، احکام سنگینی را صادر می‌نمایند؛ برای نمونه در سال ۲۰۰۴ م. شخصی به نام مصطفی کامل مصطفی^۳ پس از سخنرانی در مسجدی در پارک فینسبری^۴ در لندن بازداشت شد. از منزل وی نیز علاوه بر گذرنامه‌های جعلی و سلاح‌های سرد و گرم، یک کتابچه راهنمای اقدامات تروریستی کشف شد. پس از آن در سال ۲۰۰۶ م. به اتهام تحریک تفرّ نژادی و توزیع اسنادی که می‌توانست برای تروریست‌ها مفید باشد، به ۷ سال حبس محکوم شد (Bakker, 2006: 22). بر همین اساس، می‌توان گفت که بر خلاف حقوق کیفری پسا جرم که به جز ارتکاب جرم اصلی، شامل شروع به جرم^۵ و تبانی^۶ در ارتکاب برخی جرایم می‌شود، جرایم تروریستی به ویژه پس از سال ۲۰۰۱ م.، شامل اعمال مقدماتی نیز می‌شوند و متهم پرونده مذکور هم بر اساس همین رویکرد پیش‌دستانه محکوم شده است.

حقوق کیفری کشور فرانسه نیز جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه را در سال‌های اخیر تجربه کرده است. طبق ماده ۲۶-۴۲۱ قانون مبارزه با تروریسم ۲۰۱۴^۷، رفتارهایی مانند

1. Terrorism act 2006.
2. Counter-terrorism and Border Security Act 2019.
3. Mustafa Kamel Mustafa.
4. Finsbury Park.
5. Attepmnt.
6. Conspiracy.
7. Anti Terrorism Act 2014.

نگهداری، تهیه، ساختن وسایل یا مواد خطرناک برای دیگری، جمع‌آوری اطلاعات در مورد اماکن یا اشخاص به نحوی که امکان انجام اقدامی در این اماکن و یا حمله به اشخاص و یا امکان نظارت بر این اشخاص و اماکن را فراهم آورد، جرم‌انگاری شده‌اند. در نظام کیفری ایران نیز تهیه مقدمات ارتکاب جرم، طبق ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است که به جرایم تروریستی نیز قابل تسری است. طبق این ماده، هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند مجرم شناخته می‌شود. بر این اساس، ساخت یا تهیه وسایلی که استفاده‌های مشروع فراوانی دارند، ممکن است برای ارتکاب جرم تروریستی به کار برده شوند، حتی اگر جرم تروریستی محقق نشود. قانون‌گذار ایران در این ماده، برخلاف قانون‌گذاران فرانسه و انگلستان که اعمال مقدماتی را به صورت افتراقی برای جرایم تروریستی جرم‌انگاری کرده‌اند، تهیه مقدمات را برای ارتکاب تمام جرایم از جمله جرم تروریستی، جرم تلقی کرده است؛ برای نمونه، عمل شخصی که با قصد ارتکاب جرم تروریستی، اقدام به تهیه مواد آتش‌زا می‌نماید، از آنجا که این عمل، وی را در موقعیت ارتکاب جرم اصلی قرار می‌دهد، به کیفر مقرر در ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

آنچه از عنصر مادی جرایم فوق به دست می‌آید آن است که قانون‌گذاران انگلستان، فرانسه و ایران، برخی رفتارها مانند مداخله در تدارک برای ارتکاب جرم تروریستی و جمع‌آوری اطلاعات را قبل از اینکه به مرحله شروع به جرم برسد، اگرچه منجر به جرم اصلی تروریستی نشود، جرم‌انگاری نموده و برای آن کیفر تعیین کرده‌اند. بدین سان، از آنجا که منطبق جرم‌انگاری پیش‌دستانه مبتنی بر پیش‌بینی خطر است، قانون‌گذاران برخی اعمال مقدماتی را که مستقیم یا غیر مستقیم به جرم تروریستی مرتبط است و خطر ارتکاب آن را افزایش می‌دهد، جرم‌انگاری نموده‌اند تا در ارتکاب جرم تروریستی اختلال ایجاد نمایند و فرایند ارتکاب آن را متوقف و یا حداقل به تأخیر بیندازند و در نهایت، دفاع از جامعه در برابر فعالیت‌های مجرمانه تروریستی را بیشتر تأمین نمایند.

یکی دیگر از مهم‌ترین مصادیق اعمال مقدماتی در حوزه تروریسم، جرم تأمین مالی تروریسم است. با توجه به اینکه شریان حیاتی تروریست‌ها، منابع مالی‌ای است که به آن‌ها تزریق می‌شود، قانون‌گذاران در سطح بین‌المللی و ملی به این موضوع توجه نموده‌اند تا با ضربه به حیات اقتصادی تروریست‌ها، مانع فعالیت‌های مجرمانه آن‌ها شوند. بر همین اساس، در سطح بین‌المللی با تصویب قطعنامه ۱۳۷۳^۱ در سپتامبر سال ۲۰۰۱ م.، بر سرکوب تروریسم از طریق منابع و بنیان‌های مالی نیز تأکید شد. در این قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است تا از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و با آن مبارزه کنند و آن را به صورت پیش‌دستانه جرم‌انگاری نمایند، منابع اقتصادی یا اندوخته‌های مالی مرتکبان اعمال تروریستی یا کسانی که برای ارتکاب اعمال تروریستی تلاش می‌کنند یا کسانی که در ارتکاب این اعمال مشارکت می‌کنند یا ارتکاب آن را تسهیل می‌کنند را فوری مسدود کنند و از تهیه منابع مالی برای گروه‌های تروریستی پیشگیری نمایند. هرچند شاید با یک نگاه سنتی بتوان گفت که اگر تروریسم جرم‌انگاری شده باشد، پس تأمین منابع مالی آن، مصداق معاونت است و نیاز به جرم‌انگاری جدید و متورم کردن عناوین کیفری نیست؛ اما با توجه به اهمیت و گسترش جرایم تروریستی، تأمین منابع مالی (به عنوان جرم منشأ) نیز باید به صورت مستقل جرم‌انگاری شود تا از جرم اصلی پیشگیری به عمل آید. بر همین اساس، کشور ایران نیز در راستای خنثی‌سازی تهدیدهای تروریستی، با تأمین مالی تروریسم مبارزه می‌نماید. هرچند تروریسم در قوانین کیفری ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است، اما تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷ و قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم را فراهم کرده است. به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷، تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق، چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیر مستقیم حساب

1. S/Res/1373.

یا تأمین اعتبار یا انجام هر گونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام برخی اعمال یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود. در فرانسه نیز حمایت مالی از اقدامات تروریستی بر اساس قانون شماره ۱۰۶۱-۲۰۰۱، از سال ۲۰۰۱ م. جرم تروریستی محسوب می‌شود. بر اساس این ماده، حمایت مالی از اقدام تروریستی از طریق فراهم کردن، جمع‌آوری یا اداره کردن وجوه و... در جهت ارتکاب یکی از اعمال تروریستی، عمل تروریستی است. در رویه قضایی فرانسه می‌توان احکامی را ملاحظه نمود که دادگاه کیفرهای شدیدی را برای صرف کمک مالی جهت انجام اقدامات تروریستی تعیین نموده است؛ برای نمونه، دادگاه با فرض مجرمیت، شخصی را که به گروه انصار الفتح^۱ جهت ارتکاب اقدام تروریستی، کمک مالی نموده بود، به ۸ سال حبس بدون امکان استفاده از آزادی مشروط تا قبل از گذراندن حداقل دو سوم حبس و مصادره اموال محکوم نمود (European Union Judicial Co-operation Unit, 2008: 19). بر همین اساس، در حقوق کیفری ایران و فرانسه نیز ضمن عدول از اصول کلی حقوق جزا و جرم‌انگاری‌های افراطی و تهاجمی، دست کنشگران عدالت کیفری جهت مداخله و اقدام زودهنگام از ارتکاب جرم تروریستی باز گذاشته شده است تا از ورود ضرر به دیگران و حاکمیت به نحو مؤثرتری حمایت شود (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۹ و ۲۶).

بدین سان، فرض مجرمیت نیز در جرم پولشویی در ایران و عدم توجیه منابع مالی در فرانسه که می‌توانند در راستای اعمال تروریستی باشند، قابل بررسی است. مطابق تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی:

«هر گاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مانند آنکه نوعاً و با توجه به شرایط، امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد، مسئولیت اثبات صحت آن‌ها بر عهده متصرف است...».

در نظام کیفری فرانسه نیز طبق ماده ۳-۲-۴۲۱ قانون شماره ۲۳۹-۲۰۰۳ مورخ ۱۸ مارس

۲۰۰۳ م.:

«هر کس که با فرد یا افرادی که به ارتکاب یک یا چند عمل مذکور در مواد ۴۲۱-۱ و ۴۲۱-۲ اقدام کرده‌اند، ارتباط مستمر داشته و قادر نباشد منابع مالی حوزه فعالیت زندگی خود را توجیه نماید، مجازات ... خواهد داشت».

در این پارادایم، اصل برائت و فرض بی‌گناهی افراد دچار تحول شده است و برعکس، جرایم عمومی که افراد جامعه از پشتوانه فرض بی‌گناهی برخوردارند و احراز خلاف آن، نیازمند اثبات توسط ادله دقیق و متقن است، در جرایم تروریستی فرض بی‌گناهی کم‌رنگ شده است و ظن خطرناک بودن و تهدیدزایی به افراد مظنون تحمیل می‌شود (نعمتی، ۱۳۹۸: ۵۰۷). برای اساس، تقدم حفظ امنیت عمومی از طریق پیش‌دستی در ارتکاب جرم، قانون‌گذاران ایران و فرانسه را به سوی جرم‌انگاری‌های بدون تقید به نتیجه و نقض اصل برائت که دارای تضمینات حقوقی متعددی برای متهم است، برده است و فرض مجرمیت را جایگزین آن نموده است.

۲-۲. جرم‌انگاری نگهداری و مالکیت

قانون‌گذار با هدف حمایت از امنیت عمومی، ممکن است تصمیم بگیرد که داشتن، نگهداری و مالکیت برخی موارد را وارد حوزه عدالت کیفری نماید. در کنار نگهداری سلاح سرد و گرم، مواد مخدر و ... که معمولاً در حقوق کیفری بسیاری از کشورها جرم‌انگاری شده است، مبارزه با تروریسم در دهه اخیر موجب برخی جرم‌انگاری‌های جدید شده است. در همین راستا، بر اساس مواد ۵۷ و ۵۸ قانون تروریسم ۲۰۰۰ انگلستان که هدف اصلی آن، پیشگیری از خطر آسیب در آینده است، داشتن اطلاعاتی که احتمالاً برای شخصی که در حال تدارک رفتار تروریستی است، مفید باشد و داشتن هر چیزی که منجر به یک شک معقول شود که در راستای یک هدف مرتبط با تروریسم است، در راستای پیشگیری از تروریسم و افزایش امنیت جرم‌انگاری شده است. در رویه قضایی انگلستان نیز می‌توان احکام محکومیت برخی اشخاص را صرفاً به دلیل داشتن برخی اطلاعاتی که می‌تواند برای ارتکاب جرم تروریستی به کار برود، مشاهده نمود؛ برای نمونه، در سپتامبر سال ۲۰۱۰ م.

اندرو^۱ که یک انگلیسی‌مسلمان بود، در هنگام ترک فرانسه به سمت انگلستان، به دلیل حمل مواد منفجره و وجود دستورالعمل نحوه کارکرد خمپاره جنگی و فهرست رمزهای مشکوکی به نام «پول و فرودگاه» در رایانه شخصی‌اش، بازداشت شد و دادگاه نیز وی را به ۱۵ سال حبس محکوم نمود. هرچند در نهایت، هدف تروریستی وی در دادگاه احراز نشد. همچنین در اکتبر سال ۲۰۰۵ م. در انگلستان، اعضای یک گروه تروریستی به دلیل داشتن دستورالعمل‌های ساخت بمب و برگه‌هایی که در آن نوشته شده بود: «به جهاد خوش آمدید» و «بیمارستان = حمله»، به حبس محکوم شدند (Bakker, 2006: 20). البته برای اثبات آسان‌تر این قبیل جرایم، قانون‌گذار بار اثبات داشتن قصد مجرمانه را از دوش مقام قضایی برداشته است و معمولاً در تعریف جرایم پیش‌دستانه، عنصر مادی را به اندازه‌ای گسترش داده است که هر رفتاری را که مرتبط با رفتار تروریستی باشد و نگهداری هر چیزی را که بتواند در یک رفتار تروریستی نقش داشته باشد، شامل شود؛ مانند برخی رمزهایی که از رایانه اندرو^۱ و کشف شد یا نوشته‌های حاوی مطالبی مانند «به جهاد خوش آمدید». با دقت در جرایم فوق می‌توان گفت که جرم‌انگاری نگهداری و مالکیت، در تقابل با اصول دموکراسی جوامع لیبرال قرار دارد. بر همین اساس، برخی معتقدند در راستای جرم‌انگاری پیش‌دستانه، قانون‌گذاران برای نظارت بیشتر بر برخی رفتارها، آن‌ها را وارد قلمرو حقوق کیفری می‌نمایند. البته بر فرض وجود دموکراسی در جوامع لیبرال، حمایت از جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه بسیار مشکل خواهد بود؛ زیرا این قبیل جرایم وارد حریم شخصی اشخاص می‌شود و آزادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ramsay, 2013: 219). هرچند از سوی دیگر، آزادی و حریم شخصی اشخاص، مستلزم اطمینان آن‌ها از وجود امنیت است که توجیه اصلی جرم‌انگاری پیش‌دستانه در برابر رفتارهای تروریستی نیز می‌باشد. همچنین جرم‌انگاری اعمالی که تا کنون در عالم واقع ارتکاب نیافته‌اند و به عبارت دیگر، پیش‌بینی جرم آینده^۲ نگرانی‌های عملی و اخلاقی متعددی را در فرایند عدالت کیفری به وجود می‌آورد. آسیب به اصل تناسب جرم و مجازات، یکی از جدی‌ترین

1. Andrew Rowe.

2. Future Crime.

نگرانی‌های جرم‌انگاری اعمالی است که تا کنون صورت نگرفته‌اند؛ هرچند با منطبق پیش‌دستانه مبنی بر اینکه قبل از ظهور یک تهدید باید به استقبال آن رفت، می‌توان این شکل از جرم‌انگاری را نیز توجیه کرد.

علاوه بر قوانین داخلی، برخی اسناد بین‌المللی نیز به جرم‌انگاری پیش‌دستانه نگهداری و مالکیت مواردی که امکان استفاده از آن در جرایم تروریستی باشد، پرداخته‌اند؛ برای نمونه، ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با اقدامات تروریستی هسته‌ای مصوب ۲۰۰۵ رفتارهای مختلفی را که هر کس عمداً و بدون مجوز مرتکب شود، جرم‌انگاری نموده است که بند اول از آن جنبه پیش‌دستانه دارد.^۲ به موجب این بند:

«تصاحب مواد رادیواکتیو یا ساخت یا تصاحب وسیله‌ای هسته‌ای با قصد کشتن دیگری یا...».

این نمونه نشان می‌دهد که مقامات قانونی بین‌المللی در سطح سازمان ملل متحد نیز برای حفظ امنیت کشورها، رفتارهایی را جرم‌انگاری نموده‌اند که صرفاً احتمال ارتکاب آن‌ها در آینده وجود دارد. در همین راستا، قانون‌گذار ایران نیز در بندهای ب و پ ماده ۱ قانون تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، به نگهداری عناصر، مواد هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی اشاره کرده است. هرچند به رغم شناسایی رفتارهای فوق به مثابه نمونه‌ای از اقدامات تروریستی، به عناصر مادی و روانی رفتار مذکور و کیفر آن اشاره‌ای نشده است. به عبارت دیگر، موارد فوق از جمله مصداق‌های تروریسم است و تأمین مالی آن‌ها نیز تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود، اما قانون‌گذار صرفاً تأمین مالی تروریسم را جرم‌انگاری نموده است. بدین سان، طبق اصل قانونی بودن جرایم که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز اشاره شده است، نگهداری عناصر، مواد هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی در

1. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism 2005.

۲. کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با اقدامات تروریستی هسته‌ای، اولین سند مهم بین‌المللی در مبارزه با تروریسم پس از واقعه ۱۱ سپتامبر است که مشتمل بر ۲۸ ماده است (برای مطالعه بیشتر درباره کنوانسیون مذکور، ر.ک: عالی‌پور، ۱۳۸۵).

قانون تأمین مالی تروریسم، جرم محسوب نمی‌شود و عنوان مجرمانه آن را حسب مورد باید در سایر قوانین و مقررات جستجو کرد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کوره‌پز، ۱۳۹۷).

۳-۲. جرم‌انگاری عضویت در گروه‌های تروریستی

عضویت در گروه‌های تروریستی، جزء جرایم حالت است؛ با این توضیح که این قبیل جرایم، لزوماً منتهی به مشارکت در ارتکاب جرم نمی‌شوند. در اینجا منظور از جرم حالت، جرمی است که عنصر مادی آن، حالتی روانی، اجتماعی و ناشی از شیوه زندگی و یا وضع کسی است که در یکی از دسته‌ها و جمعیت‌هایی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور است، عضویت دارد. از این رو، قانون‌گذار با جرم‌انگاری برخی رفتارها بر آن بوده است که از وقوع جرایم هولناک‌تر ضمناً پیشگیری نماید (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۰۹/۱).

جرم‌انگاری حالت با هدف پیش‌دستی بر تهدید تروریسم و جلوگیری از اقداماتی که می‌توانند مضر باشند، حتی اگر هیچ دلیلی بر ورود آسیب یا قصد ایراد آسیب وجود نداشته باشد، مانند عضویت در گروه‌هایی که تروریستی تلقی می‌شوند، از این قبیل است. در حقوق انگلستان، عضویت در گروه‌هایی که یکی از اهداف آن‌ها ترغیب و تشویق تروریسم می‌باشد، جرم‌انگاری شده است (Ashworth & Zedner, 2014: 100). براین اساس در قانون تروریسم ۲۰۰۰ انگلستان، اگر شخصی عضو یک گروه ممنوعه باشد و یا اظهار نماید که عضو آن گروه است مجرم شناخته می‌شود (S11). در قانون جزای فرانسه نیز طبق آخرین اصلاحاتی که در سال ۲۰۱۶ م. صورت گرفته است، با اندکی تغییر نسبت به گذشته، شرکت در یک گروه متشکل یا توافق صورت گرفته برای زمینه‌سازی ارتکاب یکی از اعمال تروریستی مطروحه در قانون، عمل تروریستی محسوب می‌شود؛ برای نمونه، در پرونده معروف به شبکه چچن^۱ در سال ۲۰۰۲ م. در فرانسه، اعضای یک گروه که بیشتر فرانسوی بودند، در یکی از اردوگاه‌های چچن برای حمله به برج ایفل و یک مرکز خرید بزرگ در پاریس، آموزش دیده بودند. این گروه تروریستی قبل از ارتکاب جرم و صرفاً به دلیل عضویت در گروه تروریستی در ژوئن ۲۰۰۶ م. به ده سال حبس محکوم شدند (Bakker, 2006: 20). آنچه از محکومیت

1. Chechen Network.

این شبکه مجرمانه قابل برداشت است آنکه دادگاه با در نظر گرفتن آسیب‌های احتمالی و خطرناک عضویت در گروه‌های تروریستی، اقدام به محکومیت اعضای آن نموده است. بر همین اساس می‌توان گفت که جرم‌انگاری همکاری یا عضویت در سازمان‌هایی که ظن به تروریستی بودن آن‌ها وجود دارد و جرم‌انگاری طیف گسترده از رفتارهایی که لزوماً با رفتار خشونت‌آمیز ارتباط ندارند، اما ظن به ارتباط آن با تروریسم وجود دارد، از طریق اختلال، محدودیت و سلب توان بزهکاری، از جمله اقداماتی هستند که قانون‌گذاران در یک سازوکار پیش‌دستانه لحاظ می‌نمایند. در حقوق کیفری ایران نیز مانند انگلستان و فرانسه، صرف حضور فرد در برخی گروه‌ها یا جمعیت‌ها جرم محسوب می‌شود. بر اساس ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، عضویت در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعبی که هدفشان برهم زدن امنیت کشور باشد - که می‌تواند تروریستی باشد - جرم‌انگاری شده است. همچنین طبق ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که به دلیل سبب مرتکب، دارای عنوان مجرمانه محاربه است:

«هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور... در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود».

با مقایسه قوانین انگلستان، فرانسه و ایران می‌توان به این نتیجه رسید که جرم‌انگاری پیش‌دستانه در خصوص عضویت در گروه‌های تروریستی در انگلستان علاوه بر اینکه موسع‌تر است، صرف اعلام عضویت نیز بر خلاف حقوق کیفری ایران و فرانسه، جرم است. در حالی که در ایران، صرف اقرار به جرم که در ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است، یکی از دلایل اثبات جرم است. راهبرد قانون‌گذاران در این نوع جرم‌انگاری، پیش‌دستی، ارسال پیام سرزنش عمومی اهداف و روش‌های تروریستی و دادن اختیارات بیشتر به مأموران ضد تروریستی به منظور مداخله قبل از ورود هر گونه آسیب یا شروع به آن است. علاوه بر این، برای دادستان نیز اثبات عضویت متهم در گروه‌های تروریستی آسان‌تر از اثبات ارتکاب جرم عقیم یا مانع است. هرچند در جرم‌انگاری عضویت در گروه‌های تروریستی باید برخی

چالش‌ها، مانند موضوع عنصر روانی جرم حل شود؛ زیرا عضویت، مستلزم آگاهی از ماهیت گروه و یا بی‌احتیاطی در اینکه عضویت می‌تواند منجر به رفتار مجرمانه شود، می‌باشد. بر همین اساس با توجه به سازوکارهای پیش‌دستانه و تسهیل در اثبات جرم، عنصر روانی عضویت مفروض انگاشته می‌شود و قانون‌گذار ایران نیز در انتهای ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است»، اصل را بر عالم بودن عضو گذاشته است. شبیه همین ضابطه، در قانون ضد تروریسم ۲۰۰۰ انگلستان نیز به کار رفته است و طبق آن، متهم باید ثابت کند که در فعالیت‌های گروه شرکت نکرده است (S11, 2, b).

۲-۴. جرم‌انگاری عدم گزارش

با توجه به جهانی شدن و رشد جرایم تروریستی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر این دسته جرایم، توسل به کمک شهروندان و استفاده از اطلاعاتی که برخی از آنان به مناسبت شغل یا موقعیت خاص خود در اختیار دارند، به کشف و تعقیب جرم کمک می‌کند. این اقدام به نوعی موجب نزدیک شدن خواسته‌ها و افکار عمومی جامعه با سیاست کیفری می‌شود و مجموعه سیاست‌ها را با واقعیات اجتماعی همراه می‌کند (مهدی‌پور مقدم و شاملو، ۱۳۹۶: ۲۷۶). بر همین اساس، گاه قانون‌گذار ترک فعل گزارش را در برخی جرایم مانند جرایم تروریستی، موجب مسئولیت کیفری دانسته و برای تارک فعل، کیفر پیش‌بینی نموده است.

جرم ترک فعل عبارت است از ترک وظیفه‌ای که قانون‌گذار به عهده افراد گذاشته است و نیازی به تحقق نتیجه ندارد. جرم‌انگاری عدم گزارش، یکی از مهم‌ترین جرایم ترک فعل است. جرم‌انگاری عدم گزارش به توجیه خاصی نیاز دارد، از همین رو جنبه استثنایی دارد و موضوع گزارش باید به حدی اهمیت داشته باشد که قانون‌گذار مجاب شود تا به افراد عادی یا مقامات رسمی، انجام آن را تحمیل نماید. دو هدف عمده برای جرم‌انگاری عدم گزارش جرم وجود دارد که عبارت‌اند از: ممانعت از ارتکاب جرمی که در آینده احتمال وقوع آن می‌رود و دیگر اینکه گزارش جرم ممکن است به تسهیل در پاسخ‌دهی به مرتکبان که در ارتکاب جرم نقش داشته‌اند، منجر شود (نجفی‌توانا و

فدایی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). در این راستا، قانون‌گذاران کشورهای مختلف، عدم گزارش جرم تروریستی یا جرایم مرتبط با آن را با منطق پیش‌دستانه وارد قوانین کیفری نموده‌اند؛ برای نمونه در قانون تروریسم ۲۰۰۰ کشور انگلستان، عدم گزارش اطلاعات در خصوص عمل تروریستی که ارتکاب یافته باشد و یا قرار است در آینده ارتکاب یابد و می‌تواند منجر به بازداشت بزهکار تروریستی بالقوه شود، جرم‌انگاری شده است (S38). در حقوق کیفری فرانسه نیز ماده ۴۳۴-۱ قانون مجازات مصوب ۱۹۹۲ مقرر داشته است: «هر گاه شخصی از وقوع یا شروع به جنایتی اطلاع یابد و به رغم داشتن زمان کافی برای محدود کردن آثار جنایت یا جلوگیری از ارتکاب جنایت دیگر، مراتب را به اطلاع مقامات مسئول قضایی یا اداری نرساند... محکوم می‌شود».

بر خلاف حقوق کیفری انگلستان و فرانسه، در ایران شهروندان الزامی به گزارش و اعلام جرم ندارند و این وظیفه تنها برای برخی اشخاص پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱۴ قانون تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷، کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی موظف‌اند گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مقابله با جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم موضوع ماده ۴ قانون اصلاح مبارزه با پولشویی ۱۳۹۷ ارسال کنند. بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۴ آن:

«چنانچه هر یک از اشخاص مذکور، وظایف مندرج در این قانون را انجام ندهد، به مجازات معاون جرم محکوم می‌شود و در صورتی که در انجام وظایف، مرتکب تقصیر از جمله اهمال و سهل‌انگاری شود، به یکی از مجازات‌های درجه هفت محکوم می‌شود...».

به گزارش وقوع جرم در قوانین و مقررات کیفری شکلی نیز اشاره شده است؛ برای نمونه، ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز امکان شروع تعقیب را حتی در حالتی که شخص شاهد وقوع جرم نبوده باشد، در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی تجویز کرده است؛ هرچند اعلام آن الزامی نمی‌باشد و در فرضی که شخص برای مثال از وقوع یک رفتار تروریستی مطلع شود و آن را اطلاع ندهد، مرتکب جرم نشده است. فرض اطلاع از وقوع جرم تروریستی در آینده و عدم گزارش آن، که دارای منطق پیش‌دستانه می‌باشد، نیز بر خلاف انگلستان و فرانسه، وارد زرادخانه کیفری ایران نشده

است. الزام به اعلام جرایم تروریستی و یا جرایم مرتبط با آن، به نهادهای رسمی متولی مبارزه با تروریسم، علاوه بر تسریع در کشف جرم و مشارکت دادن مردم در فرایند چرخه عدالت کیفری، می‌تواند منجر به پیش‌دستی در ارتکاب جرم تروریستی و ایجاد مانع در ارتکاب آن شود.

نتیجه‌گیری

ماهیت پیشگیرانه پارادایم نوین پیش‌دستانه مبتنی بر پیشگیری از خطرات و تهدیدات آتی است. مهم‌ترین موضوع در خصوص جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه، استثنایی بودن این تدابیر است. استثنایی بودن تمهیدات پیش‌دستانه به این معناست که جرم‌انگاری پیش‌دستانه باید در موارد استثنایی و به صورت مضیق صورت بگیرد و با رفع شدن شرایط آسیب‌زا، تا حد ممکن از این قبیل رفتارها جرم‌زدایی صورت بگیرد. قانون‌گذاران از یک سو با توجه به مبانی احتیاطی، مدیریت خطر، تسهیل در تعقیب و اثبات جرم مرتکبان و کاهش خسارات، مبادرت به جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه می‌کنند و از سوی دیگر با سازوکارهای پیش‌دستانه و مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی، موجب دور شدن حقوق کیفری از کارکرد اصلی خود و تبدیل رویکرد پسینی آن به رویکرد پیشینی شده‌اند.

محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های اجرایی و قضایی اثبات جرایم سنتی تروریستی، گسترده بودن آثار جرایم تروریستی، مدیریت خطر ناشی از تروریسم، کاهش هراس از جرایم تروریستی، کاهش هزینه‌های مبارزه با تروریسم، حمایت از شهروندان و افزایش امنیت، جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه را ضروری‌تر می‌نماید. بدین سان برای رویکرد پیش‌دستانه سیاست‌گذاران جنایی باید مبنای فایده‌گرایی را برگزید؛ زیرا علاوه بر گسترش صلح و امنیت، به دنبال دفاع اجتماعی نیز هست.

لزوم اختصاص جرم‌انگاری‌های جداگانه برای رویارویی با تروریسم، به سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز قابل تسری است. در این راستا می‌توان به بند ح ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ اشاره کرد که دلالت بر به کارگیری همه امکانات جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با

خشونت‌گرایی، تروریسم و افراط‌گرایی دارد. بدین‌سان، یکی از مهم‌ترین امکاناتی که برای مقابله با تروریسم می‌توان به کار گرفت، جرم‌انگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی در قالب قانون مستقل ضد تروریسم و یا پیش‌بینی فصلی جداگانه در قانون مجازات اسلامی کنونی است. برای نمونه پیشنهاد می‌شود که برخی رفتارها، مانند عدم گزارش عمل تروریستی که ارتکاب یافته است و یا شخص اطلاع دارد که قرار است در آینده ارتکاب یابد، وارد متون کیفری ایران شود. البته نباید از این موضوع غافل شد که جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه، قانون‌گذاران را موفق به ایجاد یک آرامش و امنیت مقطعی می‌نماید که ممکن است در پس آن انگیزه‌های سیاسی، انتخاباتی و عوام‌گرایانه نیز باشد؛ زیرا در دهه‌های اخیر، سیاست‌گذاری در حوزه کنترل اجتماعی جرایم تروریستی از دستگاه عدالت کیفری به سوی سیاستمداران نیز کشیده شده است؛ به نحوی که می‌توان به سیاست‌زدگی بزهکاری تروریستی اشاره کرد. از همین رو، به دلیل رشد جرایم تروریستی و تأثیر آن بر ایجاد ترس از جرم میان شهروندان، امروزه در وعده‌های انتخاباتی، سیاست‌های کنترل جرم و وعده اقدامات پیش‌دستانه در حوزه جرایم تروریستی، نقش مؤثری در سرنوشت رقابت‌های انتخاباتی دارد. اما پس از مدتی، همین قبیل اقدامات قابلیت بحران‌زایی دارند و منجر به تضعیف مدل جرم‌انگاری در بزهکاری تروریستی و به حاشیه راندن سایر پاسخ‌ها و اقداماتی می‌شوند که می‌توانند در بلندمدت آثار مثبتی در راستای کاهش جرایم تروریستی داشته باشند. همچنین جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه ممکن است عدالت کیفری را با چالش‌های حقوق بشری و اخلاقی نیز روبه‌رو نمایند؛ بدین‌صورت که این دسته جرایم ممکن است ابزاری برای تعدی به حریم خصوصی شهروندان شوند و در این میان برخی دولت‌ها به بهانه تأمین امنیت و از طریق جرم‌انگاری‌های پیش‌دستانه، بسیاری از حقوق و آزادی‌های افراد را وارد قلمرو حقوق کیفری نمایند و فضای جامعه را با سوءظن عمومی مواجه نمایند. پس رویکرد پیش‌دستانه باید در موارد اضطراری اجرا شود؛ زیرا علاوه بر تورم قوانین کیفری، به دلیل کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی شهروندان به قوانین ضد تروریسم و در نتیجه متروک ماندن جرایم پیش‌دستانه شود.

کتاب‌شناسی

۱. آقابابایی، حسین، «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، فصلنامه فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۲. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳. احمدی، حبیب، و رودابه دهقانی، «آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره دهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ سی و سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۵. همو، «مفهوم تروریسم»، مقاله در: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسماعیلی، محمد، «عدالت پیشگیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۷. بابائی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۸. پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۹. جلالی، محمود، و رضا زویب، «ارزیابی دفاع مشروع پیشگیرانه علیه تروریسم»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و سوم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر، و سعید حکیمی‌ها، «ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۱)، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۱۱. دلماس مارتی، میری، «پارادایم جنگ علیه جرم؛ مشروع ساختن امر غیرانسانی»، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، مقاله در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، کتاب اول، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. رضوانی، سودابه، مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. شریفی، محسن، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۱ (پیاپی ۶۵)، بهار ۱۳۸۲ ش.
۱۴. شریفی طرازکوهی، حسین، و ویکتور بارین چهاربخش، «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، و سعید عبدالله‌یار، حالت ضرورت و دفاع مشروع، تهران، مجد، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. صیقل، یزدان، مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷ ش.
۱۷. طالقانی، حسین، و پیمان نمایان، «اعمال دفاع پیش‌دستانه در مبارزه با تروریسم؛ نفی یا اثبات مشروعیت»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۸. طاهری، سمانه، سیاست کیفری سختگیرانه، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۱۹. طیبی، مرتضی، و مهرداد اطهری، «جرایم ناقص: واکاوی سازوکارهای آموزه‌های فقهی و حقوقی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۰. عالی‌پور، حسن، «تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۵ ش.
۲۱. همو، توازن میان امنیت و آزادی‌های فردی در مقابله با جرایم تروریستی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷ ش.

۲۲. عمرانی، سلمان، «پارادایم "جنگ علیه تروریسم" و کرامت انسانی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۴ (پیاپی ۸۸)، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۲۳. کارگری، نوروز، *درون‌مایه‌های تروریسم*، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. کارگری، نوروز، و نسرین مهرا، «روان‌شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس افکنی»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۲۵. کلارکسون، کریستوفر، *تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، چاپ دوم، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۵ ش.
۲۶. کوره‌پز، حسین، *پاسخ کیفری به بیوتروریسم در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و سایر کشورها*، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷ ش.
۲۷. گنج‌بخش، محمود، رضا موسی‌زاده، و حسین آل کجیاف، «حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین‌الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین‌المللی»، *دوفصلنامه مطالعات زن و خانواده*، دوره چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۸. مجیدی، سیدمحمود، «جرم‌نگاری تهاجمی فرانسه در جرایم تروریستی»، *فصلنامه نامه مفید*، دوره سیزدهم، شماره ۶۴، اسفند ۱۳۸۶ ش.
۲۹. همو، *حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی؛ جرایم علیه امنیت*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی؛ اصول فقه*، چاپ پنجاه و هشتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷ ش.
۳۱. محمودی جانکی، فیروز، *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌نگاری*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۲. مهدی‌پور مقدم، علیرضا، و باقر شاملو، «تحلیل حقوقی اعلام جرم در تعقیب کیفری»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۳۳. میرمحمدصادقی، حسین، «ملاحظات در باب تروریسم»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره چهارم، شماره‌های ۳۳-۳۴، بهار تا زمستان ۱۳۸۰ ش.
۳۴. میرمحمدصادقی، حسین، و علی رحمتی، «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و چهارم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۵. ناجی راد، محمدعلی، *جهانی‌شدن تروریسم*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷ ش.
۳۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ ش. (بازنگری شده در سال ۱۳۹۱ ش.)، قابل دسترس در: www.lawtest.ir.
۳۷. همو، «جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)»، مقاله در: *دایرةالمعارف علوم جنایی*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش. (الف)
۳۸. همو، «جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی»، *دیباچه در: جرم‌شناسی فراملی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳۹. همو، «درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)»، *دیباچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۴۰. همو، «سیاست جنایی؛ از مدل‌ها تا جنبش‌ها»، *دیباچه در: دل‌ماس - مارتی، میری، نظام‌های بزرگ*

سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش. (ب)

۴۱. همو، «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، مقاله در: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۷.

۴۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده، و محمدعلی بابائی، «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)»، فصلنامه مدرس علوم انسانی (ویژه‌نامه حقوق)، دوره هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۳۷)، زمستان ۱۳۸۳ ش.

۴۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حمید هاشم‌بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۷ ش.

۴۴. نجفی توانا، علی، و حسن فدایی، «الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۷ ش.

۴۵. نعمتی، لیلا، راحله سیدمرتضی حسینی، و اعظم مهدوی‌پور، «اقدامات پیش‌دستانه پارادایمی جدید در مبارزه با تروریسم»، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره چهل و نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.

46. Ashworth, Andrew & Lucia Zedner, *Preventive Justice*, Oxford University Press, 2014.

47. Bakker, Edwin, *Jihadi Terrorists in Europe*, Netherlands Institute of International Relations Clingendael, 2006.

48. Bush, George W., *The National Security Strategy of the United States of America*, Washington, The White House, 2002.

49. European Union Judicial Cooperation Unit, "Terrorism Convictions Monitor", Issue 3, 2008.

50. McCulloch, Jude & Joo-Cheong Tham, "Secret State, Transparent Subject: The Australian Security Intelligence Organization in the Age of Terror", *Australian and New Zealand Journal of Criminology*, Vol. 38(3), 2005.

51. Mill, John Stuart, *On Liberty (Rethinking the Western Tradition)*, New Haven, Yale University Press, 2003.

52. National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States, "The 9/11 Commission Report", 2004.

53. Stern, Jessica & Jonathan B. Wiener, "Precaution Against Terrorism", *Journal of Risk Research*, Vol. 9(4), 2006.

54. Tulich, Tamara, "Prevention and Pre-emption in Australia's Domestic Anti-terrorism Legislation", *International Journal For Crime, Justice and Social Democracy*, Vol. 1(1), 2012.

55. Van der Heide, Liesbeth & Jip Geenen, "Preventing Terrorism in the Courtroom – The Criminalization of Preparatory Acts of Terrorism in the Netherlands", *Security and Human Rights*, Vol. 26, 2015.

56. White, J., "Terrorism in Transition", in: Philip Reichel (Ed.), *Handbook of*

- Transnational Crime and Justice*, Thousand Oakes, California, Sage Publications, 2005.
57. Zedner, Lucia, "Pre-Crime and Post-Criminology?", *Theoretical Criminology*, Vol. 11(2), 2007.
58. Id., "The Pursuit of Security", in: Tim Hope & Richard Sparks (Eds.), *Crime, Risk and Insecurity: Law and Order in Everyday Life and Political Discourse*, London & New York, Routledge, 2000.

